

پارلمان اروپایی

علی رحمانی

مقدمه

جامعه اروپایی* یکی از ارکان اصلی سیاست جهانی است. هرچند در ظاهر ممکن است تصور شود که این جامعه کار اقتصادی می‌کند، اما در ماهیت جنبه سیاسی دارد و تصمیماتی که می‌گیرد نیز از ملاحظات خاص سیاسی برخوردار است. هیچ کشور مستقلی در دنیا نمی‌تواند نسبت به چنین سازمان سیاسی-اقتصادی بی‌توجه و منفعل باشد. جامعه اروپایی که از آغاز با تأکید بر خصیصه دموکراتیک بودن شکل گرفت، در تشکیل یک مجمع عالی نظارت اجبار داشت. پارلمان هسته اصلی یک نظام مبتنی بر دموکراسی است. اروپا که به عنوان قاره مادر پارلمانتاریسم شناخته شده، با وجود بیش از سی سال فعالیت برای تحقق وحدت سیاسی، هنوز نتوانسته است یک پارلمان با قدرت فوق‌ملی تشکیل دهد. در حال حاضر در اروپا، کشور به کشور با پارلمانهای متفاوت از یکدیگر مواجه هستیم. برای مثال در حالی که پارلمان ایتالیا حق دارد حکومت را به طور غیرمستقیم و بدون تعیین تکلیفی برای آن سرنگون سازد، پارلمان آلمان فدرال فقط با «رأی عدم اعتماد سازنده»** و معرفی جانشین می‌تواند صدر اعظم آن کشور را از کار برکنار کند. در نظام ریاست جمهوری فرانسه، پارلمان از حقوق بسیار کمی برخوردار است و مجلس نمایندگان انگلستان در بین تقریباً همه نظامهای مبتنی بر دموکراسی،

•European Community (EC)

••Konstruktives Misstrauensvotum

بر اساس آن، مجلس فدرال آلمان پس از اطمینان از اینکه رهبر جناح اپوزیسیون قادر به کسب اکثریت آرای نمایندگان است، تشکیل جلسه می‌دهد و در همان جلسه قدرت به صدراعظم جدید منتقل می‌شود؛ از این رو «رأی عدم اعتماد سازنده» تلقی می‌گردد.

کمترین نفوذ را دارد. تمام پارلمانها به طور مشترک یک وظیفه و دو حق دارند: وظیفه آنها «نمایندگی» از طرف رأی دهندگان است تا به وکالت از سوی انتخاب کنندگان از حقوق آنان دفاع کنند؛ و دو حق مشترک پارلمانها یکی حق تصویب قانون و دیگری حق نظارت بر اعمال دولتهاست. پارلمان اروپایی* نیز خارج از این چارچوب نمی تواند باشد. ولی در عمل بنا بر ملاحظاتی که خواهیم دید، پارلمان اروپا یک مرجع قانون گذاری کامل برای دوازده کشور عضو به شمار نمی رود و بجز در موارد استثنایی (مانند تصویب بودجه، و مسائل مالی و کشاورزی) قدرت فوق ملی ندارد و حتی می توان گفت تا حد یک پارلمان ملی از توانایی تصمیم گیری برخوردار نیست. جریان قانون گذاری در جامعه اروپایی ترکیبی از همکاری و هماهنگی سه رکن شورای وزیران (با اختیارات بیشتر و به عنوان قوه مقننه)، کمیسیون اروپایی (قوه مجریه) و پارلمان (مجمع مشورتی) است.^۱ امضا کنندگان معاهده ۱۹۵۷ رم و قانون اروپای واحد** با در نظر گرفتن واقعیتهای موجود و اینکه کسب نظر موافق همه دولتهای عضو را برای تشکیل یک پارلمان قوی مشکل می دانستند، وظایف قانون گذاری جامعه برای پارلمان تعیین نکردند، به طوری که می توان گفت تا آنجا که به بودجه جامعه اروپایی و عضویت یک کشور جدید مربوط می شود، پارلمان حداکثر اختیارات را دارد، ولی در آنجا که به مسائل سیاست خارجی مربوط می گردد، پارلمان از هیچ قدرتی برخوردار نیست و نظر آن مشورتی است و تنها به عنوان توصیه تلقی می شود. هدف نهایی بازار مشترک، حصول به وحدت سیاسی اروپا است. این امر هنگامی تحقق خواهد یافت که جامعه اروپایی بتواند پارلمانی داشته باشد که در سطح فوق ملی اراده سیاسی جامعه را به اجرا درآورد؛ ولی تا به امروز چنین نشده است. علت ضعیف ماندن پارلمان اروپا چند عامل است که در زیر خواهد آمد

ضعف پارلمانها در قاره اروپا

مجالس مقننه ملی در کشورهای اروپایی که باید اساس پارلمان اروپایی باشند، همیشه ضعیف بوده اند. دولتها و رؤسای کابینه قدرت واقعی را در اختیار داشتند و ارکان اصلی اتخاذ تصمیمات به شمار می رفتند. طراحان عهدنامه ۱۹۵۷ رم نیز با پیروی از این

*European Parliament (Ep)

**Single European Act

سنت، قدرت را در شورای وزیران متمرکز ساختند و نقش کمتری برای پارلمان قائل شدند؛ این است که می‌بینیم مذاکرات و مباحثات پارلمان اروپایی در رسانه‌های جمعی انعکاس زیادی ندارد، حال آنکه سفر وزیر امور خارجهٔ یک کشور عضو اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا تصمیمات او به عنوان یک مرجع ملی از قوت قانونی برخوردار است.

مخالفت فرانسه و انگلستان با افزایش قدرت پارلمان اروپا

فرانسه در دوران ژنرال دوگل (تا ۱۹۶۸) و انگلستان از هنگام عضویت (از سال ۱۹۷۳ تاکنون) مخالف توسعهٔ قدرت و صلاحیت پارلمان اروپایی بوده‌اند.

ترکیب نامتجانس نمایندگان پارلمان اروپا

این پارلمان نه تنها از ۵۰ حزب و گروه سیاسی ۱۲ کشور عضو تشکیل گردیده است، بلکه احزاب مشابه آن نیز با یکدیگر وحدت نظر ندارند. مثلاً عقاید و نظریات دموکراتهای مسیحی در آلمان فدرال با دموکراتهای مسیحی در ایتالیا تفاوت دارد.^۲ همچنین بین کمونیستهای فرانسه و ایتالیا اختلاف نظر وجود دارد و نیز نظریات سوسیال دموکراتهای آلمان با نظریات سوسیالیستهای فرانسه و اسپانیا متفاوت است. جامعهٔ اروپایی برای اینکه نشان دهد یک سازمان دموکراتیک است، مجبور است پارلمان اروپا را تقویت کند و در آینده برای آن نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها قائل شود.

تعریف

پارلمان اروپا به عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه اروپایی مجمعی است از نمایندگان احزاب سیاسی اروپا که با رأی مستقیم مردم کشورهای عضو این جامعه انتخاب می‌شوند و حق اعمال نظر، مشورت و نظارت بر امور جامعه اروپایی را دارند.^۳

تأسیس و جریان تکامل

پارلمان اروپایی تا انتخابات ژوئن ۱۹۸۹ راهی طولانی پیموده است. معاهدهٔ پاریس (۱۹۵۱) که براساس آن جامعهٔ زغال و فولاد اروپا* بین شش کشور فرانسه،

*European Coal and Steel Community (ECSC)

آلمان فدرال، ایتالیا، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ به وجود آمد، ایجاد یک مجمع عمومی (پارلمان) را پیش بینی کرده بود. این مجمع پارلمانی نخستین بار در دهم سپتامبر ۱۹۵۲ در شهر استراسبورگ فرانسه تشکیل شد. مواد ۲۰ تا ۲۵ عهدنامه مزبور به مجمع پارلمانی اختصاص داشت. براساس آن مواد، ۷۸ عضو مجمع را نمایندگان پارلمانهای کشورهای عضو از میان اعضای این پارلمانها انتخاب می کردند. مجمع که اجلاس آن سالی یک بار تشکیل می شد، وظیفه داشت بر اجرای مفاد معاهده پاریس نظارت کرده، نظر مشورتی بدهد. مجمع می توانست هیئت عالی اتحادیه زغال و فولاد (کمیسیون) را از کار برکنار سازد.

هنگامی که در ۲۵ مارس ۱۹۵۷ در رم عهدنامه های تأسیس جامعه اقتصادی اروپا* و جامعه انرژی اتمی اروپا** بین شش دولت مذکور منعقد شد، تشکیل یک «پارلمان اروپایی» به عنوان رکن مشترک سه اتحادیه پیش بینی گردید (ماده ۴ معاهده رم). به این ترتیب از اول ژانویه ۱۹۵۸ که سه جامعه زغال و فولاد، اقتصادی و انرژی اتمی اروپا فعالیت خود را آغاز کردند، هر یک دارای یک مجمع پارلمانی شدند. در معاهده مربوط به تشکیل هر جامعه، مجمع پارلمانی نیز مانند شورا، کمیسیون و دیوان دادگستری جزء ارکان آنها به شمار آمده است. در ۱۷ مه ۱۹۶۰، پارلمان اروپایی در اجرای پیش بینی معاهده رم، طرح انتخابات مستقیم نمایندگان خود را توسط مردم کشورهای عضو از تصویب گذارند، ولی این مصوبه تا سال ۱۹۷۹ به اجرا در نیامد. در ۳۰ مارس ۱۹۶۲ پیش بینی معاهده رم به تحقق پیوست و سه مجمع جامعه های زغال و فولاد، اقتصادی و انرژی اتمی درهم ادغام شدند و پارلمان اروپایی عملاً به وجود آمد. در سال ۱۹۶۵ بین کشورهای عضو اتحادیه های اروپایی به خاطر افزایش قدرت پارلمان اختلاف نظرهایی به وجود آمد. آلمان فدرال، ایتالیا و هلند خواستار اعطای اختیارات به پارلمان اروپا برای تعیین قیمت محصولات کشاورزی بودند. حکومت فرانسه به ریاست دوگل با این امر مخالفت می نمود و قرار گرفتن پارلمان اروپایی را در سطحی فوق ملی رد می کرد؛ بلژیک و لوکزامبورگ نیز نقش میانجی را داشتند. در اعتراض به اعطای حق تصمیم گیری به پارلمان در امور مالی، در ۳۰ ژوئن ۱۹۶۵، دوگل سفیر دائمی فرانسه را از شورای وزیران بازار مشترک فراخواند و به حالت قهر، به مدت هفت ماه از شرکت در

*European Economic Community (EEC)

**European Atomic Energy Community (Euratom)

جلسات اتحادیه‌های اروپایی خودداری ورزید. در ۲۹ ژانویه ۱۹۶۶، براساس «مصالحة لوکزامبورگ»، به دولت فرانسه در مورد تصمیمات مالی پارلمان اروپا حق وتو داده شد. پس از آنکه در سال ۱۹۶۷ ارکان اجرایی مشابه در سه اتحادیه اروپایی زغال و فولاد، بازار مشترک و جامعه انرژی اتمی درهم ادغام گردیدند، این موضوع مورد تأکید قرار گرفت که جامعه اروپایی باید دموکراتیک و تحت نظارت پارلمان اروپا باشد. تا سال ۱۹۶۷ منابع مالی جوامع اروپایی از بودجه ملی به بودجه اتحادیه‌ها انتقال می‌یافت و در نتیجه هر دولت عضو به طور مستقیم درگیر این مسئله بود. با حصول استقلال مالی بازار مشترک، بر حق نظارت پارلمان اروپایی افزوده شد؛ زیرا مثلاً اتباع کشورهای عضو به طور غیرمستقیم سالانه مبلغی برای گردش امور اتحادیه می‌پرداختند و لذا نمایندگان آنها در پارلمان حق داشتند بر چگونگی مصرف بودجه دخالت و نظارت کنند. اما هنوز پارلمان اروپا منتخب مستقیم مردم شش کشور عضو نبود و صلاحیت لازم را برای جانشینی پارلمانهای ملی در اعمال کنترل جهت امور مالی و بودجه نداشت. در ۱۲ مارس ۱۹۶۹، پارلمان اروپایی به دیوان دادگستری شکایت کرد و شورای وزیران را متهم نمود که فعالیتی در امر انتخابات مستقیم به عمل نمی‌آورد.^۴

در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۰، شورای وزیران در اجلاس لوکزامبورگ حق رسیدگی به بودجه جامعه اروپایی توسط پارلمان اروپا را تصویب کرد. به موجب این مصوبه، از سال ۱۹۷۵ شورا لایحه بودجه را تنظیم و برای بررسی به پارلمان تقدیم می‌کند. بدون موافقت پارلمان هیچ‌گونه تغییری در بودجه تصویب شده به عمل نمی‌آید. در اول ژانویه ۱۹۷۳ با الحاق سه عضو جدید (انگلستان، ایرلند و دانمارک) به جامعه اروپایی، تعداد اعضای پارلمان از ۱۴۲ نماینده به ۱۹۸ نماینده افزایش یافت. در دسامبر ۱۹۷۴ شورای اروپایی (کنفرانس سران دولت و حکومت کشورهای عضو) در اجلاس پاریس تصمیم گرفت که اعضای پارلمان اروپا—چنانکه در عهدنامه رم پیش‌بینی شده است—از طریق انتخابات مستقیم برگزیده شوند. در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۵، پارلمان اروپایی طرح جدیدی برای انجام انتخابات مستقیم به تصویب رساند که توسعه جامعه از ۶ به ۹ کشور را در بر داشت. در ۲۲ ژوئیه ۱۹۷۵، پارلمان حق کامل یافت تا در بودجه جامعه اروپایی هرگونه اعمال نظری را به عمل آورد. بنابراین می‌توان گفت تا سال ۱۹۷۵ منابع مالی جامعه اروپایی را دولتهای عضو تأمین می‌کردند و این مسئله حق دخالتی برای مجمع ملی هر دولت عضو به وجود می‌آورد. از سال ۱۹۷۵ پارلمان اروپایی این حق را به دست آورد تا قسمتی از لایحه بودجه را تغییر داده یا همه آن را رد کند. در ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۶

شورای وزیران طرح نهایی انتخابات مستقیم اعضای پارلمان اروپا را برای تصویب در پارلمانهای ملی به دولتهای عضو ارائه داد. سرانجام از تاریخ ۷ تا ۱۰ ژوئن ۱۹۷۹ نخستین انتخابات مستقیم پارلمان اروپا در ۹ کشور عضو به عمل آمد و مردم ۴۱۰ نماینده را انتخاب کردند. با این جریان، قدرت قانونگذاری پارلمان افزایش یافت. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹، پارلمان منتخب اولین اجلاس خود را در استراسبورگ تشکیل داد. در ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹، پارلمان اروپا به شورای وزیران به خاطر عدم فعالیت برای اتخاذ یک سیاست مشترک انرژی اعتراض کرد. در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۹، پارلمان طرح بودجه جامعه اروپایی را به دلیل نقصهای آن رد کرد و از شورا و کمیسیون خواست تا طرح جدیدی را پیشنهاد کنند که در آن سهم هزینه‌های کشاورزی در بودجه کاهش یافته باشد. در ۱۲ مارس ۱۹۸۰، پارلمان از شورا و کمیسیون تقاضا کرد برای تسهیل کنترل مرزی طرحی برای «گذرنامه اروپایی» به وجود آورند. در ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۰، پس از دو روز بحث درباره افزایش گرسنگی در جهان، پارلمان تقاضا کرد که کشورهای صنعتی کمکهای خود که زمینه توسعه را بهبود بخشند. در تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰ که یونان به طور رسمی به عضویت جامعه اروپایی درآمد، تعداد اعضای پارلمان اروپا به ۴۳۴ نماینده افزایش یافت. در ۱۱ فوریه ۱۹۸۱، پارلمان گزارش کمیسیون حقوق زنان را مورد تصویب قرار داد که براساس آن باید به اعمال تبعیض در مورد زنان در جامعه اروپایی پایان داده شود. در ۱۷ ژوئن ۱۹۸۱، پارلمان خواستار اصلاح سیاست مشترک کشاورزی شد و در ۹ ژوئیه همان سال تقاضا کرد که در همکاری سیاسی اروپایی* برای آن نقش مؤثری قائل شوند و بعلاوه برای اتحادیه اروپا** یک کمیسیون دائمی تشکیل گردد.

در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۱، هانس دیتريش گنشر، وزیر امور خارجه آلمان فدرال، و امیلیو کلمبو، وزیر امور خارجه ایتالیا، طرح ابتکاری «قانون اروپای واحد» را برای تحقق اتحادیه اروپا به پارلمان تقدیم کردند. در ۶ ژوئیه ۱۹۸۲، پارلمان رئیس اساسی طرح مزبور را از تصویب گذراند. در ۱۲ اکتبر ۱۹۸۲، پارلمان تقاضا کرد که یک سیاست مشترک اشتغال در بازار مشترک به اجرا درآید، زیرا دولتهای ملی بتنهايي قادر به حل و فصل مسئله بیکاری نیستند. در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۳، رئیس پارلمان اروپا اعلام کرد که شورای وزیران تصمیم‌گیری درباره سیاست حمل و نقل را به تعویق انداخته است و

* European Political Cooperation (EPC)

** European Union

دیوان دادگستری باید در این قضیه دخالت کند. در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۳ پارلمان با ۲۰۱ رأی موافق، ۳۷ رأی مخالف و ۷۲ رأی ممتنع، طرح مقدماتی عهدنامه اتحادیه اروپا را به تصویب رساند، طرحی که قرار است بصورت قانون اساسی جامعه اروپائی درآید.^۵

در ۱۸ نوامبر ۱۹۸۳ پارلمان گزارش مربوط به اصلاح در سیاست مشترک کشاورزی را مورد تأیید قرار داد. در ۱۷ ژانویه ۱۹۸۴ یک کمیسیون تحقیق از طرف پارلمان مأمور گردید که گزارشی در مورد وضع و موقعیت زن در اروپا تهیه و تسلیم نماید.

در تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۸۴، پارلمان طرح مقدماتی عهدنامه تشکیل اتحادیه اروپا را به هریک از دولتهای عضو تسلیم کرد تا در مجامع ملی آنها به تصویب برسد. در ۱۱ آوریل ۱۹۸۴، پارلمان از شورای وزیران تقاضا کرد که طرح امنیت اروپا را تنظیم نماید. دومین انتخابات مستقیم پارلمان اروپایی از ۱۴ تا ۱۷ ژوئن ۱۹۸۴ در کشورهای عضو به عمل آمد. در ۱۳ دسامبر ۱۹۸۴، پارلمان لایحه بودجه سال ۱۹۸۵ را با ۳۲۱ رأی مخالف در مقابل ۳ رأی موافق و ۱۶ رأی ممتنع رد کرد و آن را برای تجدیدنظر به شورای وزیران باز گرداند. در ژوئن ۱۹۸۵، اسپانیا و پرتغال موافقتنامه الحاق به جامعه اروپایی را امضا کردند و با عضویت کامل آن دو در اتحادیه‌های اروپایی از اول ژانویه ۱۹۸۶، تعداد اعضای پارلمان به ۵۱۸ نماینده رسید. در ۲۸ فوریه ۱۹۸۶، قانون اروپای واحد به امضای وزیران امور خارجه کشورهای عضو رسید پس از تصویب پارلمان در سال ۱۹۸۷، ایجاد بازار بزرگ داخلی در پایان سال ۱۹۹۲ به منظور آزادی کامل انتقال کالا، سرمایه، افراد و خدمات، هدف قرار گرفت. قانون اروپای واحد اختیارات و صلاحیت پارلمان اروپایی را افزایش داد. الحاق هر عضو جدید به جامعه موقوف به موافقت پارلمان گردید و رعایت نظر پارلمان در مسائل مربوط به سیاست خارجی توصیه شد.^۶

در سالهای اخیر، پارلمان اروپا نقش بیشتری در روابط خارجی بازار مشترک ایفا کرده است. در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۸، هیئت پارلمانی استرالیا به استراسبورگ سفر کرد و در زمینه مسائل اجتماعی، کارگری و مهاجرت با مقامات پارلمان اروپا مذاکراتی انجام داد. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۸ هیئت پارلمانی ویژه‌ای از چین بازدید کرد. در ۱۱ اکتبر ۱۹۸۸ پاپ ژان پل دوم، رهبر کاتولیکهای جهان، در پارلمان اروپا سخنرانی کرد. در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۸ با حضور نماینده شورای وزیران جامعه، استفاده رژیم عراق از سلاح شیمیایی علیه کردها مورد مذاکره قرار گرفت و پارلمان با تأیید بیانیه مورخ ۷ سپتامبر شورا، اقدام عراق را محکوم ساخت. در ۱۳ اکتبر پروتکل‌های مالی جامعه اروپایی با اسرائیل و موافقتنامه بازگانی با سوریه در پارلمان به تصویب رسید. در ۱۴ اکتبر،

پارلمان اروپایی بیانیه‌ای در مخالفت با تصویب قانون جدید بازرگانی آمریکا صادر کرد. در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸ پارلمان قطعنامه‌ای راجع به همکاری بین جامعه اروپایی و کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین به تصویب رساند و در قطعنامه دیگری از کمیسیون اروپایی تقاضا کرد تا امکان برقراری روابط رسمی و انعقاد یک موافقتنامه با اتحادیه همکاری منطقه‌ای آسیای جنوبی* را مورد بررسی قرار دهد. از ۳۰ اکتبر تا ۶ نوامبر ۱۹۸۸، هیئتی از پارلمان اروپایی در چارچوب گفتگوهای عرب-اروپا* از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بازدید نمود و روابط بازار مشترک با شورای همکاری خلیج فارس را مورد مذاکره قرار داد. ۷ در آوریل ۱۹۸۹، پارلمان اروپا در آخرین اجلاس خود، قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرد و از دولتهای عضو خواست روابط خود را با دولت ایران قطع کنند.^۸ سومین انتخابات مستقیم پارلمان اروپا از ۱۵ تا ۱۸ ژوئن ۱۹۸۹ انجام شد.

همان طور که ملاحظه شد، پارلمان اروپایی از سال ۱۹۵۷ تا کنون بتدریج تقویت گردیده و از اختیارات و صلاحیتهای بیشتری برخوردار شده است. اعضای آن از ۶ به ۱۲ کشور و تعداد نمایندگان آن از ۱۹۸ به ۵۱۸ نفر رسیده است. پارلمانی که در آغاز فقط جنبه مشورتی داشت، قدرت قانون‌گذاری در زمینه‌های بودجه، سیاست کشاورزی، پذیرش عضو جدید و تصویب موافقتنامه با کشورهای ثالث و جهان سوم را یافته و امکان این را به دست آورده است تا در مسائل سیاست خارجی اظهار نظر کند و قطعنامه صادر نماید. جریان تقویت پارلمان کماکان ادامه خواهد یافت، ولی با توجه به نقطه ضعفهای آن و اینکه حصول به وحدت سیاسی اروپا دور از دسترس به نظر می‌رسد، مشکل خواهد بود که جامعه اروپایی بتواند از یک پارلمان منسجم و با قدرت قانون‌گذاری کامل برخوردار شود، لذا حداقل تا سان ۲۰۰۰ پارلمان اروپایی کار عمده‌ای نمی‌تواند انجام دهد.

ترکیب

پارلمان اروپا مجلسی است مرکب از ۵۱۸ نماینده از ۱۲ کشور عضو جامعه اروپایی که برای مدت پنج سال با رأی مستقیم مردم کشورهای عضو، برگزیده می‌شوند.

• South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)

•• Arab- Europe Dialogue

تا قبل از سال ۱۹۷۹، نمایندگان پارلمان را مردم انتخاب نمی کردند، بلکه مجالس ملی اعضا را طبق مقررات و اقدامات داخلی آنها تعیین می نمودند. معیار و ضابطه انتخاب نمایندگان هم معلوم نبود. چنانچه دوره نمایندگی اعضای پارلمان در مجالس ملی خودشان به پایان می رسید، عضویت آنان در پارلمان اروپا هم خاتمه یافته تلقی می شد. مواد ۱۳۷ تا ۱۴۴ عهدنامه رم مربوط به پارلمان است.^۱ به موجب آن، پارلمان اروپا ماهانه یک بار و به مدت یک هفته تشکیل جلسه می دهد و براساس تقاضای اکثریت نمایندگان و یا درخواست شورای وزیران یا کمیسیون می تواند جلسات فوق العاده نیز تشکیل دهد.

طبق ماده ۱۳۸ معاهده رم، تعداد اعضای پارلمان ۱۴۲ نفر بود. با اصلاحاتی که پس از الحاق انگلستان، ایرلند و دانمارک در آن شد، ۱۹۸ نماینده کشورهای عضو چنین تعیین شدند:

- آلمان فدرال، فرانسه، انگلستان و ایتالیا هر یک ۳۶ نماینده؛
- بلژیک و هلند هر یک ۱۴ نماینده؛
- دانمارک و ایرلند هر یک ۱۰ نماینده؛
- لوکزامبورگ ۶ نماینده.

این نحوه تقسیم، حساسیت دولتهای بزرگ عضو جامعه را برانگیخت و سبب اعتراض آنان شد، زیرا مثلاً آلمان فدرال با ۶۰ میلیون نفر جمعیت ۳۶ نماینده داشت و لوکزامبورگ با ۵۰۰ هزار نفر جمعیت ۶ نماینده و تناسبی بین این دو برقرار نبود (۱۲۰ برابر جمعیت، ولی فقط ۶ برابر نماینده).^{۱۰} لذا از اولین انتخابات مستقیم پارلمان اروپا در سال ۱۹۷۹، تغییر عمده ای در تعداد نمایندگان کشورهای عضو پدید آمد؛ به این صورت که هر یک از چهار کشور پرجمعیت آلمان فدرال، فرانسه، انگلستان و ایتالیا ۸۱ نماینده، هلند ۲۵، بلژیک ۲۴، دانمارک ۱۶، ایرلند ۱۵ و لوکزامبورگ ۶ کرسی در پارلمان به دست آوردند و تعداد کل نمایندگان به ۴۱۰ نفر رسید. با الحاق یونان، این رقم به ۴۳۴ کرسی افزایش یافت. با ورود اسپانیا و پرتغال در اول ژانویه ۱۹۸۶ به جامعه اروپایی، ۸۴ نماینده به پارلمان اضافه شد و تعداد نمایندگان ۵۱۸ نفر شد. اسپانیا ۶۰ کرسی و پرتغال ۲۴ کرسی در پارلمان کسب کردند.^{۱۱} در حال حاضر ترکیب پارلمان اروپا بر همان اساس و بدین قرار است:

کشور	تعداد کرسی‌ها
جمهوری فدرال آلمان	۸۱
فرانسه	۸۱
ایتالیا	۸۱
انگلستان	۸۱
اسپانیا	۶۰
هلند	۲۵
بلژیک	۲۴
یونان	۲۴
پرتغال	۲۴
دانمارک	۱۶
ایرلند	۱۵
لوکزامبورگ	۶
مجموع اعضا	۵۱۸

مقر

پارلمان اروپایی تنها مجمعی در جهان است که امور مربوط به آن در سه شهر در سه کشور مختلف انجام می‌شود. ۱۲ مقر دبیرخانه پارلمان در شهر لوکزامبورگ قرار دارد، اجلاسهای آن در استراسبورگ فرانسه تشکیل می‌گردد و کمیسیونهای پارلمان در بروکسل به طور منظم به کار مشغول اند. معاهده رم (۱۹۵۷) تعیین مقر پارلمان اروپا را به توافق دولتهای اروپایی موکول نموده است، ولی تاکنون حکومتهای ذینفع درباره مرکز دائمی و نهایی پارلمان اتفاق نظر نیافته اند. مقر پارلمان در ابتدا شهر استراسبورگ تعیین شد که در عین حال مرکز شورای اروپا* نیز بود. اجلاسهای پارلمان غالباً در همان جا تشکیل می‌گردید. پس از آنکه ستاد اداری پارلمان در لوکزامبورگ تمرکز یافت، بسیاری از اجلاسها در این شهر برگزار شد. کمیسیونهای پارلمانی به خاطر استمرار و همیشگی بودن کارشان در بروکسل مشغول بودند. بین دولتهای اروپایی بر سر مقر دائمی پارلمان اختلاف نظر اساسی وجود دارد. مدعی اصلی، فرانسه است که می‌خواهد استراسبورگ

* Council of Europe؛ مرکب از ۲۲ کشور اروپایی برای بررسی وضع حقوق بشر و دموکراسی در اروپا

مرکز پارلمان باشد.

از سال ۱۹۷۲ دولت فرانسه شروع به ساختن «کاخ اروپا»* در مجاورت مقر شورای اروپا در استراسبورگ نمود. حتی سایر دولتهای عضو جامعه نیز سهمی در هزینه ساختن آن به عهده گرفتند، ولی این مسئله به معنای قطعیت یافتن استقرار دائمی پارلمان در استراسبورگ نبود. فرانسوا میتران، رئیس جمهور فرانسه، در مه ۱۹۸۹ طی نطق مهمی در استراسبورگ، این شهر را «پایتخت اروپا» اعلام کرد. صرف نظر از انگلستان که تمایل داشت مقر پارلمان اروپا در لندن باشد، در حال حاضر دو مدعی اصلی با فرانسه رقابت می کنند: یکی لوکزامبورگ که مرکز دیوان دادگستری جامعه اروپایی در آنجاست و دیگری بلژیک که اصولاً مقر همه ارکان جامعه اروپایی را در بروکسل می داند و به نظر می رسد در آخر کار نیز محلی که هم اکنون در کنار ساختمان مرکزی بازار مشترک و در مجاورت شورای وزیران و کمیسیون در دست احداث است، به پارلمان اروپا اختصاص یابد. در سال ۱۹۸۷، پارلمان طی قطعنامه ای تصمیم گرفت محل کار خود را در بروکسل مستقر سازد. با توجه به اینکه دولتهای عضو از سال ۱۹۵۷ تاکنون تصمیم قطعی درباره مقر پارلمان اتخاذ نکرده بودند و انتخاب استراسبورگ هم در آغاز برای تشکیل جلسات جنبه موقتی داشت، پارلمان اروپا در صلاحیت خود می دانست که اتخاذ تصمیم نماید. دولت فرانسه در اعتراض به این امر، به دیوان دادگستری اروپایی شکایت کرد و خواستار ابطال قطعنامه شد.^{۱۳} دیوان در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ رأی داد که پارلمان می تواند ساختمان جدید خود را در بروکسل به پایان برساند و آن را مورد استفاده قرار دهد و این امر منافاتی با مقررات جامعه اروپایی و تصمیمات سایر دولتهای عضو ندارد.

هیئت رئیسه

پارلمان اروپا دارای هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس، ۱۴ معاون و ۵ کارمند است. رئیس پارلمان، معاونان و کارمندان برای مدت دو سال و نیم انتخاب می شوند. رئیس معمولاً یکی از شخصیت های برجسته اروپاست. وی وظیفه دارد دستور و برنامه کار پارلمان را تنظیم کند و هدایت امور را به عهده بگیرد. کارمندان، امور اداری و مالی را انجام می دهند. هیئت رئیسه برحسب ضرورت جلساتی با رؤسای فراکسیونها تشکیل

می‌دهد. ۱۴ (اسامی رؤسای پارلمان اروپا از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۹ در ضمیمه مقاله آمده است).

دبیرخانه

دبیرخانه مرکب است از یک دبیرکل و پنج مدیرکل و تعدادی کارمند که امور اداری پارلمان را در لوکزامبورگ انجام می‌دهند. پارلمان ۹ زبان رسمی دارد (انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، دانمارکی، ایتالیایی، یونانی، هلندی، اسپانیایی و پرتغالی). هر سخنرانی به طور همزمان به همه این زبانها ترجمه می‌شود. بودجه پارلمان اروپا در سال ۱۹۸۵ حدود ۲۳۸ میلیون دلار بود. ۱۵ پارلمان برای هر یک از اتباع کشورهای عضو سالانه یک دلار هزینه در بر دارد.

اعضا

نمایندگان پارلمان اروپا برطبق ماده ۱۳۸ معاهده رم (اصلاح شده) از طریق انتخابات مستقیم و عمومی انتخاب می‌شوند. آنان نمایندگان ملت‌های اروپایی هستند که حق دارند از رئیس کمیسیون سؤال کنند و با اکثریت آرا وی را استیضاح نمایند. نامزدهای عضویت در پارلمان را معمولاً احزاب سیاسی در ۱۲ کشور معرفی می‌کنند. به هر حزب با توجه به قدرت و نفوذ و تعداد اعضای آن در مجالس ملی، سهمیه داده می‌شود. نمایندگان پارلمان اروپا در واقع کاندیداهای احزاب سیاسی هستند و از طریق رقابتهای حزبی تعیین می‌شوند. تا انجام اولین انتخابات مستقیم در ۱۹۷۹، بجز در ایتالیابقیه اعضای بازار مشترک هیچ سهمی به احزاب کمونیست خود اختصاص نمی‌دادند، زیرا بلوک شرق با تأسیس جامعه اقتصادی اروپا مخالف بود و کمونیستها خواهان انحلال آن بودند؛ لذا به نظر دولتهای عضو، انتخاب نمایندگان کمونیست موجودیت بازار مشترک را به مخاطره می‌انداخت. ۱۶ برای عضویت در پارلمان، احزاب سیاسی فهرستهایی از چهره‌های معروف اجتماعی و شخصیت‌های عالی مقام معرفی می‌نمایند؛ افرادی مانند ژیسکاردستن، رئیس جمهوری سابق فرانسه، ویلی برانت، صدراعظم سابق آلمان فدرال، و تیندمان، نخست‌وزیر بلژیک. بنابراین، پارلمان اروپا مجمع سیاستمداران و اشخاص سرشناسی است که هر یک در کشور خود صاحب نفوذ و قدرت اند و انتخاب آنها بر وزن و اهمیت پارلمان می‌افزاید. در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۸، بیانیه‌ای به امضای ۳۰۳ نماینده از ۵۱۸ نماینده پارلمان رسید که به موجب آن اتباع

کشورهای عضو جامعه اروپایی مجازند از هر کشور عضو جامعه داوطلب نمایندگی در پارلمان شوند؛^{۱۷} نمایندگی در پارلمان اروپا مغایرتی با نمایندگی در مجالس ملی ندارد. اعضای پارلمان می‌توانند در فراکسیونها، کمیسیونها، کمیسیونهای فرعی و گروههای کار در بروکسل شرکت کنند. هر نماینده حق دارد بتنهایی یا از طرف فراکسیون خاصی سخنرانی نموده و از کمیسیون اروپا یا شورای وزیران سؤال کند.

فراکسیونها

پارلمان اروپا نیز مانند مجالس ملی دارای فراکسیونهایی است که از گروهها و نمایندگان احزاب سیاسی مختلف تشکیل شده‌اند و نماینده افکار و نظریات مشخصی هستند. هر فراکسیون سخنگویی دارد که موضوعات مورد بحث و نتیجه مشورتها را به کمیسیونها و اجلاسهای عمومی منعکس می‌نماید. حداقل تعداد لازم برای تشکیل یک فراکسیون، ۲۳ نماینده است. در شرایطی کمیسیون با ۱۸ نماینده از حداقل دو کشور مختلف و ۱۲ نماینده از حداقل سه کشور مختلف عضو جامعه اروپایی می‌تواند شکل بگیرد.^{۱۸} فراکسیونها وظیفه دارند از طریق مشورتهای ملی پیشنهادهایی برای حل و فصل مسائل جاری ارائه کنند. در حال حاضر، ۵۱۸ نماینده پارلمان در ۸ فراکسیون بدین قرار گرد آمده‌اند (نتیجه سومین انتخابات مستقیم پارلمان اروپایی در ۱۵ تا ۱۸ ژوئن ۱۹۸۹):

تعداد کرسی در پارلمان

فراکسیون

۱۸۱	سوسیالیستها و سوسیال دموکراتها
۱۲۳	دموکراتهای مسیحی
۴۴	لیبرالها
۴۱	کمونیستها
۳۹	سبزها (مؤتلفان)
۳۴	محافظه کاران
۲۲	دست راستی‌ها
۲۰	دموکراتهای پیشرو (گلیستها)
۱۶	بدون فراکسیون (منفردان)

احزاب سیاسی اروپای غربی از طریق همکاری و هماهنگی با یکدیگر، نوعی

روابط خاص حزبی به وجود آورده‌اند. این مناسبات حزبی چند ملیتی از سال ۱۹۷۴ که اتحادیه احزاب سوسیال دموکرات در جامعه اروپایی پایه‌ریزی شد، آغاز گردید. در ۱۹۷۶ نیز احزاب دموکرات مسیحی، «اتحادیه حزب مردم اروپا»^{*} را تشکیل دادند. در سال ۱۹۸۵، لیبرالها سازمان خود را «دموکرات لیبرالهای اروپایی و اصلاح طلبان» نامیدند. احزاب سیاسی اروپای غربی توانستند از طریق روابط حزبی در تصمیم‌گیری‌ها و ارائه توصیه‌ها و نظریات مشورتی پارلمان اروپا نقش مؤثری ایفا کنند.^{۱۹}

قطبهای سیاسی در پارلمان اروپا نمایانگر طیف گسترده تمایلات سیاسی ۳۲۰ میلیون نفر جمعیت ۱۲ کشور عضو جامعه اروپایی هستند. پارلمان اروپا را می‌توان مجمع معرفی افکار نامید. عقاید و نظریاتی که گروههای سیاسی ارائه می‌کنند، هرچند هنوز آثار حقوقی ندارد و برای دولتهای عضو رعایت آن الزام‌آور نیست، ولی از نظر اخلاقی تعهدآور است.

کمیسیونها

پارلمان اروپا برای بررسی مسائل جاری خود دارای ۱۸ کمیسیون است و بنا به مورد، هر موضوع را جهت رسیدگی و اظهارنظر به کمیسیون مربوط ارجاع می‌دهد. برای مسائلی مثل مبارزه با مواد مخدر در جامعه اروپایی یا فاشیسم و نژادپرستی در اروپا و یا کشاورزی، پارلمان دارای کمیسیون دائمی است. جلسات کمیسیونها می‌تواند محرمانه باشد.^{۲۰} کمیسیونها عبارت‌اند از:

- | | |
|--|------------------------------|
| — کمیسیون سیاسی | — کمیسیون محیط زیست و بهداشت |
| — کمیسیون کشاورزی، ماهیگیری و تغذیه | — کمیسیون همکاری و توسعه |
| — کمیسیون فرهنگی، جوانان، آموزش و ورزش | — کمیسیون بودجه |
| — کمیسیون اقتصادی، ارزی و سیاست صنعتی | — کمیسیون امور مالی |
| — کمیسیون انرژی، تحقیق و تکنولوژی | — کمیسیون حقوق زنان |
| — کمیسیون روابط اقتصادی خارجی | — کمیسیون سازمان‌دهی |
| — کمیسیون حقوق بشر | — کمیسیون حمل و نقل |
| — کمیسیون امور اجتماعی و اشتغال | — کمیسیون حقوقی |
| — کمیسیون سیاست منطقه‌ای | — کمیسیون انتخابات |

نظام انتخابات

پارلمان اروپا از روش انتخابات واحدی برخوردار نیست و هر یک از دولتهای عضو برطبق مقررات داخلی خود عمل می‌کند. در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۶ سندی به منظور متحد الشکل ساختن نظام انتخابات پارلمان در کشورهای عضو جامعه اروپایی به تصویب رسید. ماده ۷ سند مزبور از پارلمان خواسته است که طرح مقررات واحدی برای انتخابات تهیه کند، ولی تا به اجرا درآمدن این طرح، هر دولت عضو می‌تواند براساس قوانین خود اقدام نماید.^{۲۱} طرح مذکور تهیه و به شورای وزیران تسلیم شده، ولی تاکنون شورا آن را تصویب نکرده است. در انتخابات ۱۹۸۴ نمایندگان پارلمان اروپا در انگلستان (و نه در ایرلند شمالی) به طور سنتی از طریق اکثریت آرای به دست آمده برگزیده شدند و در نتیجه، سومین حزب قوی آن کشور، یعنی حزب لیبرال، با وجود کسب ۱۸/۵ درصد آرا نتوانست به پارلمان اروپا راه یابد. در فرانسه و آلمان فدرال احزابی که کمتر از ۵ درصد در انتخابات رأی بیاورند هیچ کرسی در پارلمان کسب نمی‌کنند. در بقیه کشورهای عضو جامعه چنین محدودیتی وجود ندارد.

یکی دیگر از تفاوتها در نظام انتخابات این است که در آلمان فدرال، دانمارک و هلند فقط احزاب سیاسی یا سازمانهای شبه حزبی حق دارند کاندیدا معرفی کنند. در کشورهای دیگر، افرادی که تعداد معینی امضا به دست آورند می‌توانند کاندیدا شوند. در بلژیک، یونان، ایتالیا و لوکزامبورگ شرکت در انتخابات اجباری است، و در بقیه کشورهای اختیاری. برای همه انتخاب‌شوندگان در کلیه کشورهای عضو، داشتن حداقل ۱۸ سال سن لازم است. در آلمان فدرال نمایندگان براساس فهرستهای معرفی شده برگزیده می‌شوند؛ به عبارت دیگر، احزاب سیاسی کاندیداهای خود را در سراسر کشور یا ایالت به ایالت طبق فهرست یا فهرستهای معرفی می‌کنند. احزاب یا سازمانهای سیاسی که هیچ کرسی در مجلس فدرال ندارند، باید برای همه کشور ۴ هزار و برای یک ایالت ۲ هزار امضا جمع کنند تا بتوانند در انتخابات حضور یابند. ۳ کرسی از ۸۱ کرسی آلمان فدرال در پارلمان اروپا به برلین غربی تعلق دارد. نمایندگان برلین از طریق انتخابات مستقیم برگزیده نمی‌شوند، بلکه سنای برلین آنان را تعیین می‌کند.^{۲۲}

برخی از مواد قانون انتخابات پارلمان اروپا (مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۶) که هنوز شورای وزیران به آن قدرت اجرایی نداده است، به قرار زیر می‌باشد:

ماده ۳- نمایندگان برای پنج سال انتخاب می‌شوند. دوره پنجمساله از تشکیل اولین اجلاس بعد از انتخابات آغاز می‌گردد.

ماده ۴- نمایندگان باید رأی واحد خود را شخصاً در پارلمان به صندوق بریزند و نمی‌توانند به کسی وکالت بدهند.

ماده ۵- عضویت در پارلمان اروپا مابینتی با عضویت در مجالس ملی کشورهای عضو ندارد.

ماده ۶- اعضای پارلمان اروپا نمی‌توانند عضو دولت و حکومت کشورهای عضو یا عضو ارکان جامعه اروپایی (کمیسیون، شورا و دیوان دادگستری) یا عضو کمیسیونهای مشورتی جامعه یا عضو بانک سرمایه‌گذاری اروپا و دیگر مؤسسات مشابه باشند.

ماده ۷- پارلمان طرح مقررات انتخاباتی واحدی را تهیه می‌کند و تا قوت اجرایی یافتن این طرح، انتخابات پارلمان اروپا برطبق قوانین داخلی کشورهای عضو انجام خواهد شد.

ماده ۸- هر رأی دهنده برای انتخاب نمایندگان، فقط یک بار می‌تواند رأی دهد.

ماده ۹- انتخابات پارلمان اروپا در هر یک از کشورهای عضو، در تاریخ معینی بین صبح پنجشنبه تا غروب یکشنبه صورت می‌گیرد. ۲۳

انتخابات

ماده ۱۳۸ معاهده رم (۱۹۵۷) پیش‌بینی کرده بود که انتخابات پارلمان اروپا از طریق مراجعه مستقیم به آرای مردم کشورهای عضو انجام گیرد. پس از سالها تأخیر، این امر در ژوئن ۱۹۷۹ به تحقق پیوست. انتخابات مستقیم سبب افزایش قدرت سیاسی و دموکراتیک گردیدن پارلمان می‌شد. پارلمانی که به این طریق صلاحیت خود را از ملتهای عضو به دست می‌آورد می‌توانست در مسئله قانون‌گذاری استقلال بیشتری کسب کند. تاکنون سه دوره انتخابات مستقیم به قرار زیر به عمل آمده است:

الف) انتخابات ۱۰-۷ ژوئن ۱۹۷۹: اولین انتخابات مستقیم که برای مردم اروپا بسیار تازگی داشت در شرایطی به وقوع پیوست که اکثریت رأی‌دهندگان هنوز تفاوت «شورای اروپا» با «پارلمان اروپا» را نمی‌دانستند. به هر حال به دلیل علاقه‌ای که برای پیشرفت وحدت سیاسی اروپا داشتند، به طور متوسط ۶۵ درصد مردم ۹ کشور عضو که از حق رأی‌دادن برخوردار بودند در آن شرکت کردند و ۴۱۰ نماینده پارلمان را برگزیدند. در انتخابات ۱۹۷۹، از ۲۶۰ میلیون نفر جمعیت جامعه اروپایی، حدود ۱۸۰ میلیون نفر حق رأی داشتند و دوسوم آنها، یعنی ۱۲۰ میلیون نفر، از این حق استفاده

کردند^{۲۴}. نتیجه انتخابات بدین قرار بود:

هلند	لوکزامبورگ	ایرلند	ایتالیا	انگلستان	فرانسه	دانمارک	آلمان فدرال	بلژیک	
									تعداد رأی دهندگان (میلیون نفر)
۹/۸	۰/۲	۲/۲	۴۲/۲	۴۲/۶	۳۵/۲	۳/۷	۴۲/۸	۶/۸	
									درصد رأی دهندگان
۵۸/۱	۸۸/۹	۶۳/۶	۸۶	۳۱/۶	۶۰/۷	۴۷/۸	۶۵/۷	۹۱/۴	
۲۵	۶	۱۵	۸۱	۸۱	۸۱	۱۶	۸۱	۲۴	تعداد کرسی‌ها

در اولین انتخابات مستقیم پارلمان اروپا، احزاب دست راستی اکثریت را به دست آوردند. در آلمان فدرال حزب دموکرات مسیحی توفیق بیشتری کسب کرد و در انگلستان حزب محافظه کار به پیروزی رسید. در فرانسه طرفداران ژیسکاردستن، رئیس جمهور وقت (پیروان حزب اتحاد مردم فرانسه) گلیستها را شکست دادند. در سه کشور عضو اتحادیه بنلوکس*، دموکراتهای مسیحی آرای بیشتری به دست آوردند. ۲۵ در نتیجه انتخابات ۱۹۷۹، فراکسیونهای پارلمان اروپا ترکیب زیر را یافت:

۱۱۱ کرسی	— سوسیالیستها و سوسیال دموکراتها
۱۰۷ کرسی	— دموکراتهای مسیحی
۶۳ کرسی	— محافظه کاران
۴۴ کرسی	— کمونیستها
۴۰ کرسی	— لیبرالها
۲۳ کرسی	— دموکراتهای پیشرو (گلیستها)
۲۲ کرسی	— منفردان

انتخابات ۱۷-۱۴ ژوئن ۱۹۸۴: در دومین انتخابات مستقیم پارلمان اروپا که یونان (عضویت از ۱۹۸۱) نیز در آن حضور داشت، ۲۷۰ میلیون نفر جمعیت جامعه اروپایی ۴۳۴ نماینده پارلمان را انتخاب کردند.^{۲۶} کشورهای عضو طبق جدول زیر در انتخابات شرکت نمودند:

بلژیک	آلمان فدرال	دانمارک	فرانسه	
۷	۴۴/۵	۳/۸	۳۶/۴	تعداد رأی دهندگان (میلیون نفر)
۹۲/۲	۵۶/۸	۵۲/۳	۵۶/۷	درصد رأی دهندگان
۲۴	۸۱	۱۶	۸۱	تعداد کرسی‌ها

انگلستان	یونان	ایتالیا	ایرلند	لوکزامبورگ	هلند
۴۳	۷/۸	۴۴/۴	۲/۴	۰/۲	۱۰/۷
۳۲/۶	۷۷/۲	۸۳/۹	۴۷/۶	۸۷	۵۰/۵
۸۱	۲۴	۸۱	۱۵	۶	۲۵

همان طور که ردیف دوم ستون جدول نشان می‌دهد، درصد رأی دهندگان از ۳۲/۶ (انگلستان) تا ۹۲/۲ (بلژیک) در نوسان است. علت این امر آن است که برطبق قوانین داخلی کشورهای بلژیک، ایتالیا، یونان و لوکزامبورگ، شرکت در انتخابات اجباری است.

در انتخابات ۱۹۸۴، سوسیالیستها و سوسیال دموکراتها حائز اکثریت آرا شدند و فراکسیونهای پارلمان اروپا به قرار زیر شکل گرفت:^{۲۷}

۱۳۱ کرسی	— سوسیالیستها و سوسیال دموکراتها
۱۱۰ کرسی	— دموکراتهای مسیحی
۵۰ کرسی	— محافظه کاران
۴۱ کرسی	— کمونیستها
۳۱ کرسی	— لیبرالها
۲۹ کرسی	— دموکراتهای پیشرو (گلیستها)
۲۰ کرسی	— سبزها
۱۶ کرسی	— دست راستی‌ها
۶ کرسی	— منفردان

تحوّل جدید در انتخابات ۱۹۸۴، ورود سبزها (طرفداران محیط زیست) به پارلمان اروپا بود که در آن صاحب ۲۰ کرسی گردیدند. برای اولین بار سبزها از کشورهای آلمان فدرال (۷ نماینده)، بلژیک (۴ نماینده)، دانمارک (۴ نماینده)، ایتالیا (۳ نماینده) و هلند (۲ نماینده) وارد پارلمان شدند.

ترکیب پارلمان دو سال بعد تغییر یافت و با عضویت اسپانیا و پرتغال در جامعه اروپایی، از اول ژانویه ۱۹۸۶ تعداد ۸۴ کرسی بر مجموع آن اضافه شد. اسپانیا ۶۰ کرسی و پرتغال ۲۴ کرسی حائز گردیدند و تعداد نمایندگان به ۵۱۸ نفر رسید. با الحاق سوسیالیستهای اسپانیا، گروه سوسیالیستها قدرت بیشتری به دست آوردند و فراکسیونها به وضع زیر درآمدند: ۲۸

۱۶۵ کرسی	— سوسیالیستها و سوسیال دموکراتها
۱۱۵ کرسی	— دموکراتهای مسیحی
۶۶ کرسی	— محافظه کاران
۴۸ کرسی	— کمونیستها
۴۴ کرسی	— لیبرالها
۲۹ کرسی	— دموکراتهای پیشرو (گلیستها)
۲۰ کرسی	— سبزها
۱۶ کرسی	— دست راستیها
۱۵ کرسی	— منفردان

انتخابات ۱۸-۱۵ ژوئن ۱۹۸۹: سومین انتخابات پارلمان اروپا در شرایطی برگزار شد که زمینه‌های لازم برای تقویت قدرت آن فراهم شده بود. بعد از آنکه «قانون اروپای واحد» از اول ژوئیه ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا شد، این نخستین بار بود که پارلمان اروپا با توجه زیاد به اهمیت نقش آن تشکیل می‌گردید. ۲۹ در انتخابات ۱۹۸۹، از ۳۲۰ میلیون نفر جمعیت جامعه اروپایی تنها ۵۶ درصد از ۲۴۸ میلیون نفر که حق رأی داشتند شرکت کردند. در این انتخابات سوسیالیستها و سبزها آرای بیشتری به دست آوردند. در وضع لیبرالها و دست‌راستی‌ها تغییری حاصل نشد و محافظه‌کاران و دموکراتهای مسیحی شکست خوردند. انتخابات پارلمانی اروپا حکومت بعضی از کشورها را زیر سؤال قرار داد. حزب محافظه‌کار مارگارت تاچر در انگلستان با اختلاف زیادی از حزب کارگر عقب ماند و با توجه به اینکه این انتخابات سنگ محکی برای انتخابات سراسری در

انگلستان تلقی می‌شود، پایان یافتن حکومت تاچر پس از ده سال محتمل به نظر رسید. در یونان حزب سوسیالیست پاپاندرو نتوانست اکثریت لازم را کسب کند و وی قدرت را از دست داد. ۳۰ در آلمان فدرال جمهوریخواهان برای اولین مرتبه توانستند وارد پارلمان اروپا شوند و با کسب ۸ درصد آرا، ۶ کرسی به دست آوردند. در پرتغال، دانمارک، ایرلند و لوکزامبورگ احزاب سیاسی با تغییرات فاحشی روبه‌رو شدند.

انتخابات سال ۱۹۸۹ بار دیگر نشان داد که منافع ملی برای مردم کشورهای عضو اهمیت فراوانی نسبت به سیاستهای فراملیتی دارد. این جریان برای تشکیل بازار بزرگ داخلی در پایان سال ۱۹۹۲ نکته مثبتی تلقی نمی‌شود. پارلمان اروپا در حال حاضر محل برخورد دو دسته‌بندی سیاسی است که هر یک خواهان هدایت جامعه اروپایی به سوی هدفهای خود هستند. از یک سو برای گروه سوسیالیستها، سوسیال دموکراتها و سبزها مسائل اجتماعی اروپا مطرح است و از سوی دیگر دموکراتها و محافظه‌کاران به دنبال ایجاد اروپای صنعتی و مالی با قدرت تکنولوژیک‌اند. این دو گروه راجع به مسائل محیط زیست، حقوق اجتماعی، نظام پولی اروپا، مالیاتها، امور دفاعی و امنیتی نظریات مشابهی ندارند. اکثریت یافتن سوسیالیستها و سبزها که خواستار اصلاحات اجتماعی هستند پارلمان را در مقابل شورای وزیران قرار می‌دهد که در دست گروههای راست میانه است و لذا مبارزه این دو رکن برای کسب قدرت تصمیم‌گیری همچنان ادامه خواهد یافت. ۳۱

نتایج سومین انتخابات پارلمانی اروپا (ژوئن ۱۹۸۹)

مجموع کرسی هر فراکسیون	یونان	پرتغال	هند	انگلستان	فرانسه	لوکزامبورگ	اسپانیا	آلمان غربی	ایتالیا	ایرلند	دانمارک	بلژیک	کشور / حزب
۱۸۱	۹	۸	۸	۴۶	۲۲	۲	۲۷	۳۱	۱۴	۲	۴	۸	سوسیالیست و سوسیال دموکرات
۱۲۳	۱۰	۳	۱۰	-	۷	۳	۱۷	۳۲	۲۸	۴	۲	۷	دموکرات مسیحی
۳۴	۱۰	-	-	۳۲	-	-	-	-	-	-	۲	-	محافظه کار
۴۱	۴	۳	-	-	۷	-	۴	-	۲۲	-	۱	-	کمونیست
۴۴	-	۹	۳	-	۱۳	۱	۱	۴	۴	۴	۳	۴	لیبرال
۱۹	-	-	-	-	۱۳	-	-	-	-	۵	-	-	دموکرات پیشرو (گلیست)
۳۹	-	۱	۲	-	۹	-	۳	۸	۷	۱	۴	۴	سبز
۲۲	-	-	-	۱	۱۰	-	-	۶	۴	-	-	۱	راست گرا
۱۵	۱	-	۲	۱	-	-	۸	-	۲	۱	-	-	منفرد
۵۱۸	۲۴	۲۴	۲۵	۸۱	۸۱	۶	۶۰	۸۱	۸۱	۱۵	۱۶	۲۴	مجموع کرسی های هر کشور در پارلمان

اختیارات و صلاحیتها

پارلمان اروپا براساس ماده ۱۳۷ عهدنامه رم (۱۹۵۷) صلاحیت قانون گذاری ندارد و اختیارات آن بیشتر مشورتی است. هرچه از عمر پارلمان سپری شده، قدرت تصمیم گیری بیشتری یافته است؛ با این حال، قوه مقننه جامعه اروپایی هنوز شورای وزیران و به عبارت بهتر، شورای اروپایی (کنفرانس سران دولت و حکومت) است. صلاحیتهای پارلمان را می توان به شرح زیر تقسیم کرد: ۳۳

۱. اختیار اخذ تصمیم: عمده ترین تصمیمی که پارلمان اتخاذ می کند در زمینه مسائل مالی و بودجه است. لایحه بودجه را کمیسیون به صورت طرح تنظیم می کند و شورای وزیران مورد بررسی قرار می دهد. آنگاه برای اظهار نظر به پارلمان تقدیم می گردد. پارلمان تغییرات لازم را در آن به عمل می آورد و یا بکلی طرح بودجه را رد می کند. طرح اصلاح شده را کمیسیون به صورت نهایی در می آورد و پس از تصویب پارلمان، به شورا فرستاده می شود. شورا موظف است بدون هیچ گونه تغییری، لایحه نهایی بودجه را امضا کند و آن را به اجرا بگذارد.

ماده ۲۰۳ معاهده رم در مورد بودجه همه اختیارات را به پارلمان واگذار کرده است. براساس این ماده، پارلمان می تواند با اکثریت مطلق آرا (نصف بعلاوه یک) طرح بودجه را تغییر دهد و با اکثریت دوسوم آرا آن را رد کند و خواستار طرح جدیدی گردد. استقلال رأی پارلمان در زمینه مسائل مالی از سال ۱۹۷۵ تأمین گردید. در سال ۱۹۷۹ پارلمان برای اولین بار لایحه بودجه را رد کرد و از شورای وزیران و کمیسیون خواست هزینه های مربوط به بخش کشاورزی را کاهش دهند. در دسامبر ۱۹۸۴ نیز طرح بودجه مربوط به سال ۱۹۸۵ پذیرفته نشد و پارلمان مدت ده ماه تصویب آن را به تأخیر انداخت. عنوان بودجه تنها منحصر به دخل و خرج جامعه اروپایی نمی شود، بلکه سیاست کشاورزی، سیاست منطقه ای، سیاست اجتماعی و سرمایه گذاری های مشترک را نیز دربر می گیرد. بودجه به مرور به یک وسیله سیاسی در دست پارلمان تبدیل شده است تا بنا به مورد، شورای وزیران تحت نظارت قرار گیرد.

درآمدهای بودجه جامعه اروپایی از طریق مالیات افزوده بر ارزش کالاها*، درآمدهای گمرکی، دریافتی های کشاورزی و کمکهای مالی دولتهای عضو تأمین می شود و باری بر بودجه ملی هر کشور محسوب نمی گردد. هزینه های بودجه شامل اجرای

* Value Added Tax (VAT)

سیاست کشاورزی (از جمله انبارداری اضافه تولیدات)، امور اجتماعی و منطقه‌ای، حمل و نقل، تحقیقات، مخارج اداری و سازمانی و کمکهای توسعه‌ای به اعضا می‌شود.

۲. حق نظارت: پارلمان امکانات کامل کنترل ارکان مختلف جامعه اروپایی را در اختیار دارد:

الف) رابطه پارلمان با کمیسیون اروپایی: مهمترین وسیله‌ای که پارلمان برای مجازات و محدودیت کمیسیون و برکناری اعضای آن در دست دارد، رأی عدم اعتماد است. پارلمان از این طریق می‌تواند رئیس و اعضای کمیسیون را وادار به استعفا کند. بدین منظور، کسب اکثریت دوسوم آرا لازم است. تاکنون پارلمان به خاطر رعایت حیثیت جامعه از چنین حقی استفاده نکرده است.^{۳۴} نمایندگان می‌توانند نظر خود را به صورت کتبی یا شفاهی به کمیسیون بدهند. نظرهای کتبی نمایندگان و پاسخ کمیسیون برای اطلاع عموم در نشریات جامعه اروپایی منتشر می‌شود. سؤالات نمایندگان راجع به مسائل روز، هسته اصلی رابطه پارلمان با کمیسیون است. هر نماینده می‌تواند ضمن اظهارنظر، توجه پارلمان را نسبت به مسئله جلب کند و رئیس کمیسیون و کمیسرها را مورد سؤال قرار دهد (ماده ۱۴۰).

ب) رابطه پارلمان با شورای وزیران: برخلاف کمیسیون، پارلمان نسبت به شورا هیچ وسیله نظارت مستقیمی در اختیار ندارد، اما آنجا که موضوع به بودجه ارتباط می‌یابد، پارلمان نفوذش را بر شورا به کار می‌برد. علاوه بر آن، روابط این دو رکن در عمل نیز توسعه یافته است؛ بدین صورت که رئیس شورا طی ریاست ششماهه خود می‌بایست برنامه کار جامعه را به پارلمان ارائه کند و در پایان این دوره، نتایج به ثمر رسیده را گزارش دهد. پس از آنکه دیوان دادگستری در مه ۱۹۸۵ شورای وزیران را به عدم فعالیت در سیاست حمل و نقل محکوم کرد، نظارت پارلمان بر شورا را مورد تأیید قرار داد.^{۳۵}

پ) رابطه پارلمان با شورای اروپایی: شورای ممبران کنفرانس سران دولت و حکومت ۱۲ کشور عضو جامعه اروپایی است که حداقل سالی دوبار تشکیل می‌شود. معاهده رم (۱۹۵۷) از شورای اروپایی نامی نبرده است. این شورا در اجلاسهای خود مهمترین مسائل و مشکلات جامعه را مورد بررسی قرار داده، برای آن راه‌حل‌هایی ارائه

• طبق ماده ۱۷۵ معاهده رم، پارلمان می‌تواند چنانچه شورا یا کمیسیون نسبت به اجرای مفاد عهدنامه تخلف یا غفلت نمایند مسئله را برای رسیدگی و اخذ تصمیم به دیوان دادگستری ارجاع دهد. به موجب رأی دیوان دادگستری کلیه تصمیمات جامعه اروپایی که بدون مشورت با پارلمان اتخاذ می‌گردد بی اعتبار است.

می کند و به جریان تحقق یکپارچگی جامعه نیروی تازه ای می بخشد. رابطه این دو رکن برای اولین باز از دسامبر ۱۹۸۱ شروع شد که رئیس وقت شورای اروپایی گزارش اجلاس سران را به پارلمان ارائه کرد و بدین وسیله شورای مزبور لزوم مذاکره با پارلمان اروپا را پذیرفت. پارلمان و شورای اروپایی در مورد «همکاری سیاسی اروپایی» با یکدیگر ارتباط دارند. هدف از این همکاری، هماهنگ نمودن سیاست خارجی دولتهای عضو جامعه است. همکاری سیاسی اروپایی کلیه جنبه های سیاست بین المللی را که به منافع جامعه اروپایی مربوط می شود، مورد رسیدگی قرار می دهد. پارلمان از سال ۱۹۷۵ از طریق کمیسیون سیاسی خود با همکاری سیاسی اروپایی تشریک مساعی می کند. در قانون ادوای واحد این رابطه پذیرفته شده است. دبیرخانه جامعه اروپایی در بروکسل نیز مسائل اداری و امور جاری همکاری سیاسی اروپا را انجام می دهد. قانون ادوای واحد بیش از سابق به پارلمان در زمینه توسعه جامعه و انعقاد موافقتنامه های الحاق اختیارات داده است. در هر دو مورد، شورای اروپایی هنگامی می تواند تصمیم بگیرد که قبلاً پارلمان موافقت کرده باشد.^{۳۵}

ت) همکاری با جهان سوم: همکاری با کشورهای در حال توسعه برای پارلمان اروپایی اهمیت فراوانی دارد. به عنوان مثال، ۶۶ کشور جهان سوم واقع در آفریقا، دریای کارائیب و اقیانوس آرام*، از طریق کنوانسیون لومه** به بازار مشترک اروپا وابسته اند و پارلمان مسائل اقتصادی و سیاسی آنها را زیر نظر دارد. هرگاه جامعه اروپایی بخواهد با کشور ثالثی موافقتنامه بازرگانی یا همکاری امضا کند، باید قبلاً موافقت پارلمان را کسب کرده باشد.

۳. حق مشورت: به موجب ماده ۱۳۷ معاهده رم، پارلمان دارای اختیارات مشورتی است. این اختیارات به صورت «پیشنهاد» یا «توصیه» و «قطعنامه» اعمال می گردد که دارای ضمانت اجرا نیست. کمیسیون یا شورای وزیران ممکن است نظرها و پیشنهادها را پارلمان را اجرا و تصویبنامه خود را بر مبنای قطعنامه های آن تصحیح کند، ولی اگر با نظر پارلمان موافق نباشند، الزامی به رعایت آن ندارند. در اختلاف نظر بین پارلمان و کمیسیون، رأی شورا قابل اجراست. در کلیه مسائل مهم مانند پذیرفتن عضو جدید در جامعه اروپایی و سیاستهای کشاورزی، حمل و نقل، اجتماعی، محیط زیست و

*African- Caribbean- Pacific (ACP)

**Lome Convention (لومه پایتخت توگو)

مسائل رقابتی باید با پارلمان مشورت به عمل آید. شورای وزیران می‌تواند راجع به قطعنامه‌هایی که از کمیسیون دریافت می‌نماید با پارلمان مشورت کند.^{۳۶}

طرز کار

پارلمان اروپا معمولاً ماهی یک بار به مدت یک هفته در استراسبورگ تشکیل جلسه می‌دهد؛ مسائل عمومی را به بحث می‌گذارد و برنامه کار کمیسیون و گزارش سالانه آن را بررسی می‌کند. پارلمان می‌تواند از شورای وزیران و کمیسیون بخواهد نماینده‌ای به جلسات آن اعزام دارند تا به سؤالات اعضا پاسخ دهد.* پارلمان امور مربوط را از طریق هیجده کمیسیون خود حل و فصل می‌کنند. کمیسیونها هر ماه یک بار و یک تا دو روز در بروکسل تشکیل می‌شوند تا بتوانند به طور مستقیم با کمیسیون و شورای وزیران که در بروکسل قرار دارند، تماس بگیرند. دبیرخانه پارلمان نیز در لوکزامبورگ امور اداری آن را انجام می‌دهد. پارلمان بر اجرای مفاد معاهده ۱۹۵۷ رم نظارت کرده، و در صورت مشاهده تخلف یا کوتاهی در اجرای آن، از شورا یا کمیسیون به دیوان دادگستری شکایت می‌نماید. پارلمان برای تحقیق، هیئتهایی را به نقاط مختلف جهان اعزام می‌کند؛ با پارلمانهای کشورهای ثالث رابطه برقرار ساخته و هیئتهای پارلمانی خارجی را برای گفتگو به استراسبورگ دعوت می‌نماید.^{۳۷}

پارلمان اروپا در ۱۹۹۲

در قانون اروپای واحد که در ۲۸ فوریه ۱۹۸۶ توسط وزیران امور خارجه کشورهای عضو جامعه اروپایی در لوکزامبورگ به امضا رسید و از ژوئیه ۱۹۸۷ به اجرا درآمد، به پارلمان اروپا قدرت بیشتری داده شده است. از جمله بندهای ۲، ۴، ۵، ۶ و ۷ ماده ۶، در مورد «همکاری با پارلمان اروپا» برای تغییر متن قرارداد و مقررات مربوط صراحت دارد.^{۳۸}

ماده هفتم قانون مزبور، ماده ۱۴۹ قرارداد جامعه اقتصادی اروپا را بدین صورت اصلاح کرده است:

«چنانچه شورا [شورای وزیران] بر اثر قدرت یافتن این قرارداد در همکاری با پارلمان اروپا فعال شود، روش زیر معتبر است:

* هر نماینده می‌تواند به زبان مادری خود سخنرانی کند. کلیه اسناد و نشریات به زبان کشورهای عضو منتشر می‌شود.

الف) شورا تحت شرایط بند یک با اکثریت قابل قبول بنا به پیشنهاد و پس از اظهار عقیده پارلمان اروپا، یک دیدگاه مشترک را تعیین می‌کند.

ب) دیدگاه مشترک شورا به پارلمان اروپا ارائه می‌شود. شورا و کمیسیون، پارلمان اروپا را در تمام زمینه‌ها از جزء به جزء دلایل مطلع می‌گردانند. پارلمان اروپا این دیدگاه مشترک را در فاصله زمانی سه ماه پس از دریافت آن ... به صورت یک سند حقوقی به صورت نهایی تصویب می‌کند.

پ) پارلمان اروپا می‌تواند در فاصله زمانی سه ماهه پیش‌بینی شده، با اکثریت مطلق اعضایش تغییراتی را در دیدگاه مشترک پیشنهاد کند. علاوه بر آن می‌تواند دیدگاه مشترک شورا را با همان اکثریت رد کند. نتیجه مشورتها به شورا و کمیسیون فرستاده می‌شود. چنانچه پارلمان اروپا دیدگاه مشترک شورا را رد کرده باشد، شورا فقط در شور دوم می‌تواند به اتفاق آرا تصمیم‌گیری نماید.»

ماده ۸ قانون اروپای واحد، بند یک ماده ۲۳۷ معاهده جامعه اقتصادی اروپا را بدین قرار اصلاح کرده است: هر کشور اروپایی می‌تواند عضویت در جامعه را تقاضا کند. کشور تقاضا کننده درخواست خود را به عنوان شورا می‌فرستد. شورا به اتفاق آرا و پس از استماع کمیسیون و بعد از موافقت پارلمان اروپا که با اکثریت مطلق حاصل آمده است، تصمیم می‌گیرد.

ماده ۹ قانون اروپای واحد انعقاد موافقتنامه بازرگانی بین جامعه اقتصادی اروپا با کشورهای ثالث را موکول به موافقت پارلمان اروپا کرده است: استماع نظر پارلمان اروپا در بسیاری از موارد شرط گردیده است. از جمله ماده ۱۷ قانون اروپای واحد صراحت دارد که «شورا بنا به پیشنهاد کمیسیون و پس از استماع پارلمان اروپا متفقاً مقرراتی را برای هماهنگی دستورات حقوقی راجع به مالیات بر فروش، مالیات بر مصرف و سایر مالیاتهای غیر مستقیم وضع می‌نماید.»^{۳۹}

براساس ماده ۳۰ قانون اروپای واحد، طرفهای معظم متعاهد تضمین می‌کنند که پارلمان اروپا به طور نزدیک در همکاری سیاسی اروپایی * سهم باشد. بدین منظور ریاست اروپایی به طور منظم پارلمان اروپا را از موضوعات بررسی شده سیاست خارجی که در چارچوب کار همکاری سیاسی اروپایی قرار دارد، مطلع ساخته و این مسئله را رعایت می‌نماید که دیدگاههای پارلمان اروپا را مورد توجه قرار دهد. بدین ترتیب، در

سال ۱۹۹۲ با تشکیل بازار بزرگ داخلی اروپا و از میان رفتن مرز بین کشورهای عضو جامعه اروپایی، پارلمان اروپا قدرت واقعی خود را به دست خواهد آورد و حداقل در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی مافوق پارلمانهای ملی عمل خواهد کرد.

نتیجه

پارلمان اروپایی وسیله‌ای است که از طریق آن می‌توان به میزان پیشرفت در راه تحقق وحدت سیاسی اروپا دست یافت. روند قدرتیابی پارلمان و افزایش نقش آن در تصمیم‌گیری‌های جامعه اروپایی به معنای توفیق جامعه در راه وصول به هدف نهایی خود خواهد بود. اما می‌بینیم که پارلمان اروپا هنوز اختیارات محدودی دارد و بجز تصویب بودجه، قبول عضو جدید و انعقاد موافقتنامه با کشورهای ثالث، کار عمده‌ای از آن ساخته نیست. نظریات و قطعنامه‌های پارلمان در حد توصیه است و اثر اجرایی ندارد. تشکیل «ایالات متحد اروپا» مستلزم آن است که فدراسیون متمرکزی به عنوان یک دولت فدرال در مقابل پارلمان مسئول باشد.^{۴۰} شورای اروپایی که قدرت سیاسی و صلاحیت قانون‌گذاری جامعه اروپایی را در اختیار دارد درگیر اختلافات داخلی است و تشکل لازم را نیافته است. پارلمان هنوز یک مجمع مشورتی است و فاقد صلاحیت قوه مقننه است. جامعه اروپایی هنگامی می‌تواند به وحدت برسد که به صورت یک سازمان فوق ملی در آید و این امر هنگامی امکانپذیر است که پارلمان اروپا وزن و اهمیتی به همان قدرت و صلاحیت مجامع ملی بیابد. تاریخ نظام پارلمانی همیشه تاریخ مبارزه بین دو قوه مجریه و مقننه بوده است. در حال حاضر نه پارلمان مرجع قانون‌گذاری جامعه است و نه قوه اجرایی قدرت لازم را در سطح فوق ملی دارد. انتخابات مستقیم پارلمان اروپا هرچند به حیثیت سیاسی آن می‌افزاید، ولی نشانه آن نیست که جامعه اروپایی توانسته باشد به صورت یک اتحادیه دموکراتیک درآید. در انتخابات ۱۹۸۹ پارلمان، فقط ۵۶ درصد از کسانی که حق شرکت داشتند، رأی دادند. مردم کشورهای عضو جامعه اروپایی هنگامی در راه وحدت اروپا گام بر خواهند داشت که اطمینان یابند این جامعه بر ستونهای دموکراتیک بنا شده است. پارلمان هنوز در تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه شرکت ندارد و سران دولتهای عضو در شورای اروپایی به فکر منافع ملی خود هستند. هرچند در قانون اروپای واحد اختیارات بیشتری به پارلمان داده شده است، ولی موارد پیش‌بینی شده تغییر چشمگیری در وضع قدرت موجود پدید نمی‌آورد؛ اختیارات محدود داده شده به پارلمان اروپا نمی‌تواند جایگزین حق واقعی آن بر تصمیم‌گیری در زمینه

« کتابخانه »

ادب فرهنگی باقر العلوم (ع)

قانون‌گذاری شود. آیا رأی‌دهندگان اروپایی حق ندارند از سیاستمداران مسئول بپرسند که چرا نمایندگان آنان در پارلمان از اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری‌ها برخوردار نیستند؟ تا هنگامی که یک دولت اروپایی در برابر پارلمان مسئول نباشد، حصول به وحدت سیاسی اروپا دور از دسترس به نظر می‌رسد.

ضمیمه ۱

رؤسای پارلمان اروپایی از ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۱

بلژیک	Paul Henri Spaak	۱۹۵۲-۵۴
فرانسه	Alcide de Gasperi	۱۹۵۴
ایتالیا	Guiseppe Pella	۱۹۵۴-۵۶
آلمان فدرال	Hans Furler	۱۹۵۶-۵۸
فرانسه	Robert Schuman	۱۹۵۸-۶۰
آلمان فدرال	Hans Furler	۱۹۶۰-۶۲
ایتالیا	Gaetano Martino	۱۹۶۲-۶۴
فرانسه	Jean Duviolsart	۱۹۶۴-۶۵
بلژیک	Victor Leemans	۱۹۶۵-۶۶
هلند	Alain Poher	۱۹۶۶-۶۹
ایتالیا	Mario Scelba	۱۹۶۹-۷۱
آلمان فدرال	Walter Behrechdt	۱۹۷۱-۷۳
هلند	Cornelis Berkhouwer	۱۹۷۳-۷۵
ایتالیا	Georges Spenale	۱۹۷۵-۷۷
ایتالیا	Emilio Colomba	۱۹۷۷-۷۹
فرانسه	Simone Veil	۱۹۷۹-۸۲
هلند	Pieter Dankert	۱۹۸۲-۸۴
فرانسه	Pierre Pflimin	۱۹۸۴-۸۷
انگلستان	Lord Plumb	۱۹۸۷-۸۹
اسپانیا	Enrique Baron Escrepo	۱۹۸۹-۹۱

ضمیمه ۲

ترکیب احزاب سیاسی در پارلمان اروپایی ۲۲

انتخابات ۱۹۸۹	انتخابات ۱۹۸۴	انتخابات ۱۹۷۹	نام حزب و گروه سیاسی
۱۸۱ کرسی	۱۶۶ کرسی	۱۱۳ کرسی	سوسیالیستها و سوسیال دموکراتها
۱۲۳ کرسی	۱۱۲ کرسی	۱۰۷ کرسی	دموکراتهای مسیحی (احزاب مردم اروپا)
۳۴ کرسی	۶۶ کرسی	۶۴ کرسی	محافظه کاران
۴۱ کرسی	۴۸ کرسی	۴۴ کرسی	کمونیستها
۴۴ کرسی	۴۵ کرسی	۴۰ کرسی	لیبرالها
۲۰ کرسی	۳۰ کرسی	۲۲ کرسی	دموکراتهای پیشرو (گلیستها)
۳۹ کرسی	۲۰ کرسی	—	سبزها (مؤتلفین)
۲۲ کرسی	۱۶ کرسی	—	دست راستی‌ها
۱۶ کرسی	۱۵ کرسی	۲۰ کرسی	منفردین

1. *Das Europäische Parlament*, Katalognummer Ax-52-88-566-DE-C, (Luxemburg, 1988), p.11.

۲. علیقلی اردلان، ابر قدوتی دیگر (تهران، ۱۳۶۲)، ص ۲۸۴.

3. Beutler; Bieber; Pipkorn; Streil, *Die Europäische Gemeinschaft- Rechtsordnung und Politik* (Baden-Baden, 1987), pp. 107-17.

4. «Die Europäische Gemeinschaft», *Infonationen Zur Politischen Bildung*, No. 213, (Munchen, 1986), p. 37.

5. Europäische Parlament, *Entwurf eines vertrages zur Grundung der Europäischen Union*, (Luxemburg, 1984).

6. Laufer Thomas, *EWG Vertrag Grundlage der Europäischen Gemeinschaft*, (Bonn, 1987).

۷. حسن عنایت، «بولتن اخبار جامعه اروپایی»، ش ۱۷، (۱۳۶۷/۸/۱۳)، (سفارت جمهوری اسلامی ایران-بروکسل)، ص ۴.

8. *International Herald Tribune*, (2 June 1989).

9. Roland Biebe, *Organe der erweiterten Europäischen Gemeinschaften: Das Parlament*, (Baden-Baden 1974).

۱۰. اردلان، همان، ص ۳۸۱.

11. *The Economist*, (January 18, 1986); *Fact sheets on the European Parliament*, (Luxembourg, 1987).

12. *Die Europäische Gemeinschaft* Nr.213, p.37.

۱۳. «بولتن اخبار جامعه ادوایی»، ش ۱۴، (آبان ماه ۱۳۶۷)، ص ۶.

14. *Das Europäische Parlament*, p.20.

15. Claus Grupp, *EG-Europas schwieriger weg zur Einigung*, (Köln 1984), p.23.

۱۶. اردلان، همان، ص ۳۸۸.

Grabitz; Laufer, *Das Europäische Parlament*, (Bonn, 1979).

۱۷. «بولتن اخبار جامعه ادوایی»، ش ۱۴، ص ۲.

18. *Das Europäische Parlament*, p.16.

19. Luke Ulrich, *Die Dritte Direktwahl des Europäischen Parlaments*, (Bonn, 1989).

20. *Das Europäische Parlament*, p.15.

21. EG, *Europas Schwieriger weg zur Einigung*, p.27.

22. *Ibid.*, 27.

23. *Ibid.*, 27.

24. Sasse; Brew; Georgel, *The European Parliament: Towards a uniform Procedure for direct elections*, (Luxembourg, 1981).

25. *Official Handbook of the European Parliament*, (European Parliament, Luxembourg, 1985).

26. Lodge Juliet, *Direct elections to the European Parliament 1984*, (London, 1986).

27. EG, *Europas Schwieriger weg zur Einigung*, p.26.

28. *Ein plus für die Gemeinschaft*. Portugal und Spanien in der EG, (Bonn, 1986), p.23.

29. *Financial Times*, (June 20, 1989); *The Economist*, (June 24, 1989).

30. *The Daily Telegraph*, (20 June, 1989).

31. *The Guardian*, (20 June, 1989).

32. *The Times*, (20 June, 1989).

۳۳. فریدون مجلسی، ۹ سازمان و تشکیلات و طرز کار اتحادیه های ادوایی، (تهران، ۱۳۵۴)، ص ۶۶.

34. *Das Europäische Parlament*, p.12.

35. Juliet Lodge «The single European Act: Towards a New Euro-Dynamism?», *Journal of common Market studies* No.3, (March, 1986).

36. *Die Europäische Gemeinschaft-Rechtsordnung und Politik*, p.110.

37. *Das Europäische Parlament*, p.16.

38. *EWG Vertrag Grundlage der Europäischen Gemeinschaft*, p.156.

39. *Ibid.*, 160.

40. EG, *Europas schwieriger weg zur Einigung*, p.25.